

## پیشگفتار

خواننده عزیز پیش از مطالعه کتاب توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. اهمیت حقوق خانواده از جهت علمی و عملی بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از مباحث آن در سایر بخشهای حقوقی نیز مورد استفاده بوده و موجب تقویت قوه تجزیه و تحلیل حقوقی است. به همین جهت سعی شده است در عین سادگی و روانی عبارات از حدود زبان و ادبیات فقهی و حقوقی خارج نشود.

۲. طبیعی ترین تفسیر قانون مدنی تفسیر و تحلیل حقوقی مبتنی بر متن و مبانی و متدولوژی فقهی است، چرا که علاوه بر حقانیت این تفسیر، قانون مدنی بر اساس آراء مشهور فقها تنظیم شده است؛ در نتیجه از هر گونه نگاه تاریخی و بریده و التقاطی و تقطیعی به فقه و نگاه لاییک به حقوق مبراست و اصل چهار قانون اساسی که به حق اصل حاکم است مورد توجه دقیق بوده است.

۳. روش ارائه ژورنالیستی موضوعی موجب گم شدن دانشجو در عبارت پردازیها خواهد شد، علی هذا تفسیر قانون به قانون برای شرح قوانین انتخاب شده است. از نظر دانشجویان نیز این روش به جهات مختلف دارای ترجیح است.

۴. شایسته است که همراه با تدریس از کتابهایی مثل *جامع الشئات* مرحوم میرزای قمی و *مجمع المسائل* مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) و اخیراً *جامع المسائل* مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره) برای تمرین نظری و با معرفی دانشجویان به دادگستری برای تحقیق عملی استفاده شود.

۵. در طبع اول کتاب از راهنمایی استاد بزرگوار آیت‌الله میرمحمدی و همکاری حجت‌الاسلام محمدی برخوردار بوده‌ام و در تجدید نظر اخیر مراجعه به کتاب *تفسیر قانون مدنی* آقایان دکتر قاسم‌زاده و دکتر ره‌پیک و دکتر کیانی و کتاب *گام به گام با حقوق خانواده*، فاضل گرانیه آقای حبیبی تبار و مرور و تذکرات دوستان فاضل آقای دکتر صادقی‌مقدم، آقای دکتر اصلانی، آقای دکتر علوی قزوینی و نیز تذکرات عالمانه و مشفقانه حضرت آقای دکتر احمدی ریاست محترم و همکاران معظم له در «سمت» سبب تقویت کتاب گردید که موجب امتنان وافر است.

مؤلف

## کلیات

### خانواده

#### تعریف خانواده

خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف نشده است. ولی با توجه به مقررات مختلف می‌توان برای آن یک معنی عام (گسترده) و یک معنی خاص (محدود) قائل شد.

#### خانواده به معنی خاص

خانواده به معنی خاص که در اصطلاح جامعه‌شناسی خانواده هسته‌ای نامیده می‌شود، عبارت است از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنان که معمولاً با هم زندگی می‌کنند. ماده ۱۱۰۵ ق.م. ناظر به همین معنی بوده است و منشأ آن وقوع نکاح به طور صحت است. ماده ۱۱۰۲ چنان که در قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ که خانواده شخص بیمه شده شامل همسر و شوهر و فرزندان (با شرایط خاص خود) می‌باشد به همین معناست.

#### خانواده به معنی عام

با لحاظ طبقات ارث (ماده ۸۶۲ ق.م.) و الزام به دادن نفقه (ماده ۱۱۹۶ ق.م.) و ولایت جد پدری (ماده ۱۱۸۱ ق.م.) می‌توان تصویر گسترده‌ای از مفهوم خانواده داشت چنان که با در نظر گرفتن قرابت‌های نسبی، سببی و رضاعی مفهوم عام‌تری به دست خواهد آمد (ماده ۱۰۳۱-۱۰۴۶ ق.م.) که آن را نظام خانواده گسترده نامند.<sup>۱</sup>

---

۱. در تعریف حقوق خانواده از حقوق خانواده دکتر حسین صفایی استفاده شده است.

تضعیف خانواده گسترده و رواج نظام خانواده تک‌هسته‌ای را یکی از تأثیرات غربگرایی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی به حساب آورده‌اند. زیرا تا زمان نفوذ غربیان، زنجیره مرتبط‌کننده اجتماعی، نظام خانوادگی بوده است به طوری که فرهنگ خاورمیانه و کشورهای اسلامی را «فرهنگ قوم و خویشی» نامیده‌اند.

### اهمیت اجتماعی و اقتصادی خانواده

بررسی نقش اجتماعی، اقتصادی خانواده چه از لحاظ نظری و چه از نظر واقعیت‌های موجود جوامع مختلف از حدود موظف این درس خارج است تنها به عنوان مقدمه تفسیر قانون مدنی در زمینه خانواده، تاریخچه و کلید فهم ساختار آن در فرهنگ حاکم بر شرق و غرب و تأثیر آن بر دیگر جوامع و دیدگاه مبتنی بر فطرت و خلقت به نحو موجز و لکن مستدل ذکر می‌شود.

برای آنکه موقعیت اجتماعی، اقتصادی خانواده بررسی شود، ضروری است جایگاه خانواده در دستگاه خلقت روشن شود و به اصطلاح قبل از بحث از حقوق خانواده اشاره‌ای گذرا ولی مستدل و گویا به فلسفه حقوق در خانواده بشود، زیرا اساسی‌ترین مسئله در مورد «نظام حقوق خانوادگی» این است که آیا نظام حقوق خانوادگی نظامی است مستقل از سایر نظامات اجتماعی یا خیر؟ دانشمندان با همه اختلاف نظری که در مدنی بالتطبع یا مدنی بالطبع بودن زندگی انسان دارند، معتقدند که زندگی خانوادگی بشر صددرصد طبیعی است یعنی انسان طبیعتاً «منزلی» آفریده شده است و اگر فرضاً در طبیعی بودن زندگی مدنی انسان تردید کنیم، در طبیعی بودن زندگی «منزلی» نمی‌توانیم تردید کنیم. اولین اجتماعی که در بین بشر پدید آمده، اجتماع خانوادگی بوده و آن اجتماعی است «طبیعی و قراردادی»؛ یعنی حد متوسطی است میان یک اجتماع غریزی مثل اجتماع زنبور عسل و موریانه که همه حقوق و مقررات از جانب طبیعت معین شده و امکان سرپیچی نیست و یک اجتماع قراردادی مانند اجتماع مدنی انسانها که کمتر جنبه

طبیعی و غریزی دارد.<sup>۱</sup> همان‌طور که در بحث فلسفه حقوق که بخشی از درس کلیات حقوق را تشکیل می‌دهد مبنای فطری بودن بنای حقوق را میزان تبیین مسائل مختلف حقوقی شناختیم در اینجا نیز می‌گوییم حقوق طبیعی از آنجا پیدا می‌شود که برای طبیعت هدف قائل شویم که با توجه به هدف، استعدادهایی در وجود موجودات نهاده شده و استحقاقهایی را دارند.

چنان که مرحوم کاشف‌الغطاء می‌فرماید:

مبدأ حیات خانوادگی همسری مرد و زن است که به وسیله آن خانواده شکل می‌گیرد و با خانواده‌ها امت و با امتهای کاروان بشری، و برای نظام بخشیدن به همین مناسبات است که شرایع آسمانی حدود و قیودی برای آن قائل شده‌اند پس باید جوهر این حقیقت را شناخت. شاید بهترین تعبیر از این حقیقت و الفت، عنوان کمال ثانوی طبیعی انسان باشد، زیرا انسان مرد باشد یا زن، بالنسبه به وجود شخصی خود مثل یک کفه ترازوست که با هم توازن و تعادل می‌یابند. برای تأمین همین اعتدال و توازن خداوند حکیم چنین غریزه‌ای در وجود انسان بلکه همه موجودات زنده به ودیعت نهاده است لکن حکمت ازدواج و اقتران صرفاً بقاء نسل و حفظ نوع نبوده زیرا این معنی در سایر حیوانات نیز جریان دارد، بلکه چون انسان را که می‌گویند مدنی بالطبع است، در طریق تأمین زندگی سعادت‌مندانه نیاز شدیدی به تعادل و همبستگی حقیقی دارد و از طرفی این معنی جز با تشکیل خانواده میسر نمی‌گردد؛ بنابراین تشکیل خانواده همان و تأمین سعادت زندگی و کمال طبیعی انسان همان.<sup>۲</sup>

بنابراین راه تشخیص حقوق طبیعی انسانی و کیفیت آنها مراجعه به خلقت و آفرینش است. هر استعداد طبیعی یک سند طبیعی است برای یک حق طبیعی، با مراجعه به استعدادها و احتیاجات زن و مرد و به عبارت دیگر به سندهای طبیعی که قانون خلقت به دست هر یک داده، روشن می‌شود که آیا زندگی خانوادگی طبیعی است یا قراردادی؟ حساب زندگی خانوادگی از زندگی اجتماعی جداست. در طبیعت

۱. نظام حقوق زن در اسلام، استاد مطهری، ص ۱۴۷.

۲. تحریر المجله، علامه کاشف‌الغطاء، ج ۵، مقدمه.

تدابیری به کار برده شده که طبیعتاً انسان و بعضی از حیوانات به سوی زندگی خانوادگی و تشکیل کانون خانوادگی و داشتن فرزند گرایش دارند. غرض این است که احساسات خانوادگی برای بشر یک امر طبیعی و غریزی است و مولود عادت و نتیجه تمدن نیست (همچنان که بسیاری از حیوانات به طور طبیعی و غریزی دارای احساسات خانوادگی می‌باشند) نهایت کیفیت تکوین خانواده و نوع تبیین مسائل آن ما به الامتیاز جوامع مختلف انسانی است. گفتنی است که آنچه در غرب با جار و جنجال تحت عنوان تساوی حقوق انسانی زن و مرد مطرح است در حقیقت تشابه در کمیت حقوق می‌باشد نه تساوی حقوق، تساوی غیر از تشابه است، تساوی برابری است و تشابه یکنواختی کمیت غیر از کیفیت است و برابری غیر از یکنواختی است. کلمه تساوی و مساوات چون مفهوم برابری و عدم امتیاز در آن‌ها گنجانیده شده است، جنبه تقدس پیدا کرده‌اند و جاذبه دارند خصوصاً اگر با کلمه «حقوق» توأم گردند.<sup>۱</sup>

### اعلامیه حقوق بشر

این اعلامیه که در سال ۱۹۴۸ میلادی پس از جنگ جهانی دوم از طرف سازمان ملل منتشر شد، دارای نقاط قوتی در باب تبیین ارزشهای ذاتی برای انسان است، لکن به دلیل غفلت فلسفی ناشی از شتابزدگی نویسندگان آن و مطامع سرمایه‌داران دو کلمه تساوی و آزادی حربه‌ای برآن شدند تا زن را از خانه به کارخانه بکشند، در این میان سیاست نیز بهره‌کشی از زن را در صدر توطئه خویش قرار داد و جوان قرن بیستم هم برای اینکه از زیر بار تعهدات سنتی تشکیل خانواده شانه خالی کند بر تبعیضهای ناروا اشک تمساح ریخت و بالاخره قرن ما با گرفتن یک سلسله بدبختیها از زن و به ارمغان آوردن بدبختیهای دیگر، نظام حقوق خانوادگی را در هم ریخت.

این است که ناله متفکران غرب از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانه خالی کردن جوانان از قبول مسئولیت ازدواج، از منفور شدن مادری، از کاهش علاقه پدر و مادر و بالاخص علاقه مادر نسبت به فرزندان، از

۱. نظام حقوق زن در اسلام، استاد مطهری.

ابتدال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوسهای سطحی به جای عشق، از افزایش دائم‌التزاید طلاق، از زیادی فرزندان نامشروع، از نادرالوجود شدن وحدت و صمیمیت بین زوجین بیش از پیش به گوش می‌رسد.<sup>۱</sup>

اعلامیه حقوق بشر در بوته امل جاذب بود لکن در صحنه عمل چطور؟ می‌بینیم که در فلسفه غرب سالهاست انسان از ارزش و اعتبار افتاده است. انسان ماشینی است که محرک او جز منافع اقتصادی نیست، دین، اخلاق، فلسفه، علم، ادبیات و هنر همه روبنا هستند. خیر اینها هم زیاد است. محرک و انگیزه همه حرکتهای عوامل جنسی است و اخلاق، فلسفه، علم، دین و هنر همه تغییر شکل داده شده عامل جنسی وجود انسان است. خلاصه، دستگاه عظیم تمدن امروز به ساختن هر چیز عالی و دست اولی قادر شد جز به ساختن انسان.<sup>۲</sup> کسی حق دارد برای بشر اعلامیه صادر کند که در تفسیر انسان برای او وجدان پاک و مقام جانشینی خداوند متعال و آهنگ سیر و سفر به سوی او قائل باشد و کامل‌ترین و معتدل‌ترین سرشت کمال‌جویانه را در او ببیند.

چنان‌که در بلوک کمونیست هم که امروز جهان شاهد شکستن و فروریختن استخوان‌بندی آن است، اصالت و اهمیتی برای خانواده و منشأ آن قائل نبودند. به نظریات مارکس و انگلس توجه کنید؛ انهدام خانواده هر چند مورد انزجار حتی شدیدترین رادیکالهاست، ولی باید دید سیستم خانواده بر چه اساسی بنیان نهاده شده؟ خانواده بر اساس سرمایه‌داری و منافع فردی است و تنها در میان بورژواهاست و با متلاشی شدن سرمایه‌داری اساس خانواده نیز از هم پاشیده می‌شود.

ما مقدس‌ترین پیوند و ارتباط را در هم می‌ریزیم و تربیت خانوادگی را به تربیت اجتماعی تبدیل می‌سازیم. نخستین شرط رهایی زنان فعالیت آنان در زمینه صنعت عمومی است؛ این امر مستلزم این است که خصوصیت خانواده خودی به مثابه واحد اقتصادی جامعه از میان برود.

۱. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۵.

۲. به نظام حقوق زن در اسلام و تحلیل ارزشمند صفحات ۱۴۲ و ۱۴۳ آن از استاد شهید مطهری مراجعه شود.

### نقش استعمار در انحلال خانواده

استعمار برای رسیدن به مطامع خود با لطایف الحیل خانواده، این واحد بنیادین اجتماع را دستخوش حوادث گوناگون در جهت انحلال آن قرار داد. کشف حجاب زنان با همه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و سیاسی آن<sup>۱</sup> و تنظیم قوانین به اصطلاح حمایت از خانواده و ... به منظور همین هدف شوم دنبال می‌شد که بررسی کامل آن از حدود این درس و متن خارج است لکن برای اینکه با روشن‌بینی تاریخی وارد بحث حقوق خانواده بشویم، این شما و این هم کلمات دردمندانه فریادگر بزرگ قرن، رهبر عظیم‌الشأن، حضرت امام امت (قدس سره) که می‌فرماید:

در زمان ما، در دوره شاه سابق و لاحق، زن مظلوم شد و به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، به زن ظلمها کردند و وی را از آن مقام شرافت، معنویت و عزتی که داشت، پایین کشیدند و فاسدالاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که می‌گفت زن باید فریبا باشد. او با آن نظر جسمانی، مادی، حیوانی پست که داشت زن را نظاره می‌کرد. زن را از مقام انسانیت خود پایین کشید و او را تبدیل به عروسک کرد در صورتی که زن انسان است آن هم یک انسان بزرگ.<sup>۲</sup>

این نظر در تدوین و تنظیم قوانین خاص نیز منظور می‌شد، نخستین بار در تیرماه ۱۳۴۶ قانونی با عنوان حمایت خانواده به تصویب رسید که قانون مصوب ۱۳۵۳ با همان عنوان جایگزین شد، این دو قانون به اصطلاح بیشتر از زن و تا حدی از اطفال ناشی از نکاح حمایت کرده نه از خانواده به عنوان یک واحد و نهاد اجتماعی. حتی می‌توان گفت این قوانین، مبانی خانواده را سست و از هم گسیختگی آن را تسهیل کرد.<sup>۳</sup> صحت این نظر با دقت در نوشتار استاد حقوق تطبیقی فرانسه دریافت

۱. مارکس و انگلس، بیان‌الحزب‌الشیوعی، ص ۷۳؛ منشأ خانواده، ص ۱۰۷؛ مسائل خانواده، بی‌آزار شیرازی، ص ۴۰. برای بررسی بهتر این موضوع مراجعه شود به: جامعه‌شناسی غربگرایی ص ۶۵؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، استاد مطهری، ص ۳۹؛ مسئله حجاب؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، دکتر حداد عادل، انتشارات سروش.

۲. رساله نوین، مسائل خانواده، ج ۳، ص ۲۸.

۳. حقوق خانواده، دکتر حسین صفایی.



می‌شود آنجا که ضمن تشریح کیفیت غربی نمودن قوانین کشورهای اسلامی و دشواری قبولاندن آنها بخصوص در زمینه احوال شخصیه از قانون طلاق، و تعدد زوجات<sup>۱</sup> ۱۹۶۷ به بعد ایران یکی از آخرین موفقیتها در این زمینه یاد می‌کند و چه خوب فتوای تاریخی حکیم فرید و فقیه رشید و راحل فقید، حضرت امام (قدس سره) راهگشای امت شد که قانونی که اخیراً به اسم قانون خانواده به امر عمال اجانب برای هدم احکام اسلام و برهم زدن کانون خانواده مسلمانان از مجلسین غیر قانونی و شرعی گذشته است، برخلاف احکام اسلام بوده و امرکننده و رأی‌دهندگان از نظر شرع و قانون مجرم هستند و زنهایی که به امر محکمه طلاق داده می‌شوند، طلاق آنها باطل و زنهای شوهرداری هستند که اگر شوهر کنند زناکارند، و کسی که دانسته آنها را بگیرد، زناکار است و مستحق حد شرعی، و اولادهای آنها اولاد غیر شرعی، و ارث نمی‌برند و سایر احکام اولاد زنا بر آنها جاری است، چه محکمه مستقیماً طلاق بدهد یا امر دهد طلاق دهند و شوهر را الزام کنند به طلاق.<sup>۲</sup>

خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی مقام و موقعیت زن و خانواده احیا شد و این امری طبیعی است، مع‌الاسف کسانی که در آن زمان به عنوان حقوق‌دان مقاومت مؤثری نشان ندادند اینک با لحن تعریض آمیزی از تحول قانون در راستای انطباق با فقه یاد کرده و نوشته‌اند که ثبات نسبی در این زمینه مرهون مقاومت آداب و رسوم اجتماعی است و گرنه همه‌چیز در هم می‌شکست.

### خانواده در جمهوری اسلامی

قرآن مجید اجتماع خانوادگی را اصل و پایه جامعه قرار داده است (آیه ۱۳ سوره حجرات) پیامبر اعظم (ص) فرموده‌اند که هیچ بنیادی نزد خداوند پسندیده‌تر از ازدواج (و خانواده) نیست.

۱. نظامهای بزرگ حقوق معاصر، رنه داوید، ص ۴۶۷.

۲. ملحقات رساله توضیح المسائل، ص ۱۱، بخش خاتمه مسئله ۲۸۳۶.

در مقدمه قانون اساسی می‌خوانیم:

«خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی و رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.»

و در اصل دهم آمده است:

«از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»